

ISSN:2821-1588		https://www.jadm.khadu.ir	
	Journal of Air Defense Management Volume 3, Issue 9 Spring 2024 P.P. 113-134		
Research Paper			
Strategies for Getting out of Stagnation and Revitalization of Component Manufacturing Companies Masoumeh Akbarzadeh¹, Hoshang Taghizadeh², Majid Bagherzadeh Khajeh³ 1. Ph.D. Student, Department of Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: Akbarzadeh114@yahoo.com 2. Prof., Department of Industrial Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: Taghizadeh46@yahoo.com 3. Assistant Prof., Department of Industrial Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: Dr.bagherzadeh@yahoo.com			
Article Information		Abstract	
Received: 2024/01/10 Accepted: 2024/03/15 Keywords: Strategy, Recession, Revival, Component Manufacturing.		Background: Over the past years, the process of production boom has faced many challenges and now industrial activists are facing many challenges in the field of production. Hence, in this research, the design of the strategy model for getting out of the recession and revitalizing the industrial enterprises active in the component manufacturing industry is discussed. Methodology: This research was conducted based on a mixed (qualitative and quantitative) method. In the qualitative part, the thematic analysis strategy was used and in the quantitative part, the survey strategy was used. The qualitative model was conducted through 18 semi-structured interviews with academic, industrial and governmental experts up to the theoretical adequacy stage. The statistical population of the quantitative part included the senior managers of component manufacturing companies, 360 of whom were selected in a non-random way. The validity of the findings of the qualitative part was checked and confirmed using the triangulation approach, construct validity and the opinions of external judges, and the validity and reliability of the quantitative part were also checked and confirmed through content validity and Cronbach's alpha coefficient. Qualitative data analysis was done through coding and thematic analysis technique and quantitative data analysis was done through structural equation modeling. Findings: Model of strategies to get out of recession for component companies in the form of 63 main concepts, 11 sub-categories and 3 general categories under the headings Strategies involving resources and internal factors, Strategies at the chain level In getting out of the recession (inter-firm) and support strategies at the governance level and macro factors outside the firm were categorized. The results showed that all strategies were approved in the form of general and sub-categories, and the strategies involved with internal resources and factors with an index value of 0.976 among the main categories had the highest coefficient of adjustment. Conclusion: In order to get out of the recession, the component manufacturing companies should formulate a long-term plan based on the strategies mentioned in the current research so that they can achieve a suitable level of competitiveness and competitive advantages in the business environment.	
Corresponding Author: Hoshang Taghizadeh Email: Taghizadeh@iaut.ac.ir			
Citation: Akbarzadeh, Masoumeh; Taghizadeh, Hoshang and Bagherzadeh Khajeh, Majid.(2024). Strategies for Getting out of Stagnation and Revitalization of Component Manufacturing Companies. <i>Journal of Air Defense Management</i>, 3(9), 113-134.			

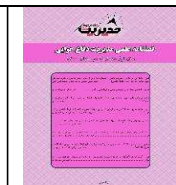


فصلنامه علمی مدیریت دفاع هوایی

دوره ۳، شماره ۹

بهار ۱۴۰۳

صص ۱۱۳-۱۳۴



مقاله پژوهشی

راهبردهای برون رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی قطعه‌سازی

معصومه اکبرزاده^۱، هوشنگ تقی‌زاده^۲، مجید باقرزاده خواجه^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: Akbarzadeh114@yahoo.com

۲. استاد، گروه مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: Taghizadeh46@yahoo.com

۳. استادیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: Dr.bagherzadeh@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: طی سالیان گذشته، روند رونق تولید با چالش‌های زیادی مواجه بوده و اکنون نیز فعالان صنعتی با چالش‌های متعددی در زمینه تولید مواجه هستند. بر این اساس، در پژوهش حاضر به طراحی مدل راهبردهای برون رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در صنعت قطعه‌سازی پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی: این پژوهش بر اساس روش ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد. در بخش کیفی از راهبرد تحلیل مضمون و در بخش کمی از راهبرد پیمایش استفاده شد. مدل کیفی به وسیله ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان دانشگاهی، صنعتی و حاکمیتی تا مرحله کفایت نظری انجام شد. جامعه آماری بخش کمی شامل مدیران ارشد شرکت‌های قطعه‌سازی بود که تعداد ۳۶۰ نفر به روش غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند. اعتبار یافته‌های بخش کیفی با استفاده از رویکرد مثلث‌سازی، روایی سازه و نظرات داوران بیرونی و روایی و پایایی بخش کمی نیز از طریق روایی محتوا و ضریب آلفای کرونباخ تأیید شدند. تحلیل داده‌های کیفی از طریق کدگذاری و تکنیک تحلیل مضمون و تحلیل داده‌های کمی از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد.

یافته‌ها: مدل راهبردهای برون رفت از رکود برای بنگاه‌های قطعه‌سازی در قالب ۶۳ مفهوم اصلی، ۱۱ مقوله فرعی و ۳ مقوله کلی تحت عناوین راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی، راهبردهای سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود (میان بنگاهی) و راهبردهای حمایت‌محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی تدوین شد. نتایج نشان داد تمامی راهبردها در قالب مقوله‌های کلی و فرعی تأیید شدند و راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی با مقدار شاخص ۰/۹۷۶ در میان مقوله‌های اصلی دارای بیشترین مقدار ضریب تعیین تعدیلی بود.

نتیجه‌گیری: بنگاه‌های صنعتی قطعه‌ساز برای خروج از شرایط رکود باید برنامه‌ای بلندمدت با تکیه بر راهبردهای مورد اشاره در پژوهش حاضر تدوین نمایند تا بتوانند به سطح مناسبی از رقابت‌پذیری و مزیت‌های رقابتی در محیط کسب و کار دست پیدا کنند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۲۵

کلیدواژه‌ها:

راهبرد،
رکود،
احیا،
قطعه‌سازی.

نویسنده مسئول:

هوشنگ تقی‌زاده

ایمیل:

Taghizadeh@
iaut.ac.ir

استناد: اکبرزاده، معصومه؛ تقی‌زاده، هوشنگ و باقرزاده خواجه، مجید. (۱۴۰۳). راهبردهای برون رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی قطعه‌سازی. فصلنامه مدیریت دفاع هوایی، ۳(۹)، ۱۱۳-۱۳۴.

مقدمه

بر اساس تعریفی ساده و در عین حال جامع از رکود در یک بنگاه اقتصادی، هر زمان کاهش منابع و خروجی یک بنگاه اقتصادی با کاهش سطح و مقیاس عملیات همراه شود، رشد متوقف شده و بنگاه صنعتی راكد می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۹). پیامد رکود بنگاه اگر بدون دخالت و جلوگیری از پیشرفت و تداوم آن همراه باشد، به بهای حیات بنگاه اقتصادی تمام می‌شود و خروجی نهایی آن ورشکستگی بنگاه اقتصادی خواهد بود. در این میان، با توجه به پیچیدگی محیط‌های کسب و کار امروزی، حیات و بقای بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند به عوامل متعددی وابسته باشد (رضائی بنفشه، کسائی، و موتمنی، ۱۴۰۱). بررسی پیشینه مطالعات مرتبط نشان می‌دهد که محققین مختلف عوامل متعددی را شناسایی کرده‌اند. عوامل مورد اشاره را در حالت کلی می‌توان در چهار گروه متغیرهای مربوط به صنعت، متغیرهای مربوط به بنگاه، متغیرهای مربوط به منابع انسانی و کارکنان مشغول به فعالیت در صنعت و عوامل اثرگذار بر هزینه‌های بنگاه اقتصادی دسته‌بندی کرد (رزاقی و همکاران، ۱۴۰۲؛ الفت و همکاران، ۱۳۹۸؛ ریکو، پاندیت و پویگ^۱، ۲۰۲۱؛ سوری، آرزو و داسترس^۲، ۲۰۲۳).

همان‌گونه که رکود در سطح کلان اقتصادی پدیده پیچیده‌ای است، در سطح خرد و بنگاه‌های اقتصادی نیز از پیچیدگی‌های مخصوص به خود برخوردار است. رکود یک بنگاه صنعتی می‌تواند حاصل و پیامد ناشی از حوادث، رویدادها و تحولات مختلف و مرتبط با بنگاه باشد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر آن اثر می‌گذارند. این حوادث، رویدادها و تحولات می‌تواند به صورت اختلال‌های ناگهانی رخ دهد، یا این که به صورت تدریجی به رکود و کاهش خروجی‌های بنگاه اقتصادی منجر شده و نهایتاً به ورشکستگی و اتمام عمر بنگاه منتهی شود. صرف‌نظر از شدت و سرعت ظهور علایم رکود، مدیریت باید بتواند آن را درک کرده و بر اساس آگاهی و بلندمدت‌نگری تصمیمات حساس و اثربخشی در راستای گذار از دوران رکود و بازگشت به شکوفایی در بنگاه اخذ نمایند. بر اساس بررسی و مطالعه پژوهش‌ها، اولاً شناخت و درک وقوع شرایط رکود در سازمان عموماً بسیار سخت بوده و شناسایی به موقع رکود در بنگاه‌های اقتصادی به سطح ادراک مدیران ارشد از علل رکود برمی‌گردد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹). در شرایط عمومی، محیط کسب و کار نامساعد و

¹ Rico, Pandit and Puig

² Soori, Arezoo and Dastres

وجود رکودهای اقتصادی پی در پی و طولانی مدت می‌تواند به رکود در بنگاه‌های صنعتی و نهایتاً ورشکستگی آن‌ها بیانجامد (تقی‌زاده، حیدرزاده و هنرمند عظیمی، ۱۳۹۹؛ امیری و همکاران، ۱۳۹۸). این امر بر زنجیره‌های تهیه و تامین، توزیع و فروش، لطمه‌های شدید و بعضاً جبران ناپذیر وارد می‌آورد. از سوی دیگر، رشد رقبا و کاهش نامحسوس جایگاه سازمان از منظر رقابت‌پذیری در میان مشتریان نیز می‌تواند به رکود تدریجی منجر شود. ثانیاً اتخاذ راهبردهای مناسب برای گذار از دوران رکود خود امر مهمی است که باید به صورت جداگانه و جدی بدان رسیدگی نمود.

صنعت قطعه‌سازی جزو صناعی است که از زمان تولد آن در حدود نیم قرن پیش تاکنون با فراز و نشیب‌های مختلفی روبرو شده است. علی‌رغم این که صنعت قطعه‌سازی از منظر اشتغال‌زایی و صادرات دارای جایگاهی ویژه‌ای در میان انواع صنایع در سطح کشور است، ولی بنگاه‌های صنعتی قطعه‌سازی همواره در خط مقدم تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و مدام در معرض بالقوه رکود و ورشکستگی قرار گرفته و همچنان در آینده نزدیک نیز خواهند گرفت. بنابراین ضروری است نسبت به مسئله رکود و علایم آن در این صنعت حساسیت بیشتری به خرج داد و توجه بیشتری بر شناسایی روندهای گذار از رکود و احیای صنعتی مبذول نمود. بنابراین، در این پژوهش به شناسایی راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی پرداخته می‌شود. لذا، مساله اصلی پژوهش به صورت زیر تدوین شد که الگوی راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی چگونه است.

پیشینه پژوهش

کنکاش در ادبیات پژوهشی در خصوص راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی در ایران نشان می‌دهد تاکنون عوامل متعددی توسط پژوهش‌گران مختلف شناسایی شده است. موتمنی و همکاران (۱۴۰۲) برهم‌کنش متقابل مابین راهبردهای امکان‌پذیر در احیای شرکت‌های تولیدی کوچک و متوسط رو به افول و ورشکسته را مورد کنکاش قرار دادند. بر اساس یافته‌ها، تنظیم روند عرضه محصولات مبتنی بر نیاز بازار، تمرکز بر مزیت‌های پایدار رقابتی شرکت و برقراری فروش تخفیفی و اقساطی به عنوان راهبردهای سطح اول از منظر اثرپذیری برای بنگاه‌های صنعتی در حوزه صنایع غذایی مطرح شده است. رضائی، کسائی و موتمنی (۱۴۰۱) در راستای شناسایی عوامل اثرگذار بر برون‌رفت از رکود و احیای صنایع غذایی کوچک و متوسط راکد شده و نیمه فعال استان اردبیل، عوامل کلان اقتصادی را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روند گذار از رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی

برشمردند. پس از آن، کیفیت زیرساخت‌ها و فرآیندهای تحقیق و توسعه در بنگاه در رده‌های دوم و سوم از منظر اهمیت قرار داشتند. ضیائی حاجی‌پیرلو، تقی‌زاده و هنرمند عظیمی (۱۴۰۰) از زاویه تاب‌آوری بنگاه‌های صنعتی در حوزه قطعه‌سازی به مقوله رکود و احیای صنعتی نگریستند. از منظر محققین مزبور، از طریق بررسی سطوح مختلف پیچیدگی در زنجیره‌های تأمین و تعیین وضعیت و جایگاه بنگاه صنعتی از منظر شاخص‌های آن، می‌توان به نوعی پیش‌بینی در خصوص وضعیت بنگاه در قبال توانمندی آن در مقابله با انواع اختلال در زنجیره تأمین و چگونگی برخورد با عوامل رکود دست یافت. اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰a) در تلاش برای درک واقعیات کنونی در صنعت قطعه‌سازی خودرو ایران از منظر جایگاه توسعه صنعتی و رکود آن در مقایسه با صنایع دیگر در کشور بدین امر تاکید داشتند که تلاش در راستای شناخت امور اجتماعی مرتبط با صنعت مزبور، فارغ از نگاه‌های سیاسی و روزمره، درکی عمیق‌تر و جامع‌تر در اختیار قرار می‌دهد و به مثابه سدی در برابر توصیف‌های برآمده از نگاه کوتاه‌مدت و روزمره عمل می‌کند که ناپیوستاری اجتماعی هسته اصلی آنهاست. آفت‌های نگاه کوتاه‌مدت مانند تیشه به ریشه زدن است و تلاش‌های وسیع در این صنعت را نادیده می‌انگارد. بر همین مبنا گفتمانی جایگزین پیشنهاد شده است تا صنعت قطعه‌سازی خودرو هر آن گونه که هست توصیف شود تا محرکی برای رشد دوباره در این صنعت شود. پاکزاد، قاضی نوری و فاطمی (۱۴۰۰) مدلی را برای صنعت قطعه‌سازی خودرو استان آذربایجان شرقی از منظر رویکردهای راهبردی توسعه نوآوری صنعتی ارائه دادند. براساس یافته‌ها، جلب مشارکت طیف گسترده ذینفعان، همراستایی با سیاست‌های بالادستی و هم‌ارز، توجه به زیربنای نوآوری منطقه و تاکید بر هم‌افزایی فرمانطقه‌ای در الگوی کلان سیاستگذاری نوآوری جزو مهم‌ترین عوامل برشمرده شدند. همچنین بر اهمیت گونه‌شناسی، بررسی اجزاء، شناسایی عوامل موفقیت و تحلیل چرخه عمر در ارزیابی بوم‌سازگان نوآوری تاکید شد و در پایان ضرورت ارزیابی آثار اجرای ابزارهای سیاستی و برنامه‌ریزی برای پیاده‌سازی آمیزه سیاستی تبیین شد. اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰b) با تاکید بر فرایندهای بهبود مستمر، بهسازی فرایند و تعهد به تداوم بهسازی و ارتقای کیفیت، این موارد را به‌عنوان عوامل لازم و حیاتی برای پیشگیری از رکود و ارتقای رقابت‌پذیری شرکت‌های فعال در صنعت قطعه‌سازی خودرو نام برده و به عنوان پیش‌شرط ضروری برای حضور شرکت‌های مزبور در شبکه تأمین جهانی در این صنعت دانسته‌اند.

تقی‌زاده، حیدرزاده و هنرمند عظیمی (۱۳۹۹) بر لزوم ارتقای همکاری‌های راهبردی بین قطعه‌سازان در قالب زنجیره‌های تأمین در راستای گذار از رکود و دستیابی به مزیت رقابتی تاکید داشتند. امیری و همکاران (۱۳۹۹) به تدوین مؤلفه‌های اصلی رکود بنگاه‌های

صنعتی غذایی و دارویی در استان کرمانشاه با هدف طراحی مدل بومی پرداخت. در مدل مزبور از منظر گذار از رکود در بنگاه‌ها بر عواملی همچون اهمیت گذار از اداره سنتی کسب‌وکار، تقویت روندهای سازماندهی در بنگاه و تدوین و اجرای استراتژی‌های مدیریت بازار تاکید شده است. مدنی‌زاده، کریمی‌راد و محمودزاده (۱۳۹۷) نحوه اثرگذاری رکود بر بنگاه‌های صنعتی در ایران را از سه منظر تقاضای داخلی، شرایط تأمین مالی بیرونی و تجارت بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌ها، عملکرد خودِ بنگاه در کیفیت و کمیت تولید و توانایی انجام صادرات محصولات به عنوان عوامل تعیین‌کننده در عبور از دوران رکود در سطح بنگاهی شناسایی شده است. رضوی و همکاران (۱۳۹۶) راهبردهای احیای شرکت‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های تأمین قطعه‌سازی خودرو در شرایط رکود را از منظر تأمین مالی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌ها، ضعف عملکردی بانک‌ها، روش‌های تأمین مالی و بازار سرمایه، ضعف بانک‌های تخصصی و عدم هماهنگی بین بنگاه‌ها و نهادهای مالی، برخی از موانع احیای زنجیره تأمین در شرایط رکود از منظر تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های تأمین قطعه‌سازی خودرو در ایران بودند. کمالی سیدیگلو و تقی‌زاده (۱۳۹۶) نیز در راستای پیشگیری از وقوع بحران در بنگاه‌های کوچک و متوسط، توانمندسازی و ارتقای مهارت‌های انسانی مانند سطح تخصص، تحصیلات، مهارت‌های کار تیمی و تیم‌سازی و مدیریت دانش مرتبط با تجربیات میدانی کارکنان در بنگاه را به عنوان عوامل مهم در کنار توجه به بازار، شناخت موقعیت‌ها و ویژگی‌های آن در کنار سایر عوامل شناسایی کردند.

براتی (۱۳۹۶) نشان داد یکی از مهم‌ترین رویکردهای پیشگیری از وقوع بحران و رکود در شرکت‌های کوچک و متوسط صنعت قطعه‌سازی خودرو، تاکید بر منافع مشترک و تشکیل اتحادهای راهبردی مابین شرکت‌ها و مدیریت مناسب و بهینه ارتباطات در راستای ارتقای سطح رقابت‌پذیری است. تاری و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از رویکرد پویایی سیستم، مدل رشد بنگاه‌های فعال در صنعت قطعه‌سازی خودرو را ارائه دادند. در مدل مزبور، سرمایه‌گذاری‌های جدید به نرخ بازگشت سرمایه در قبال فروش لحاظ وابسته شده است و مهارت‌های مدیریتی و نرخ ظهور و بروز نوآوری در شرکت به عنوان محرک‌های اصلی جذب مشتری و افزایش تولید برای برون‌رفت از بحران برای بنگاه صنعتی شناسایی شده است. رحمان سرشت و همکاران (۱۳۹۲) راهبردهای احیای عملکرد در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در شرایط رکود اقتصادی را بررسی کرد. نتایج نشان داد که بین راهبردهای سازماندهی مجدد بدهی، کاهش هزینه، کاهش دارایی عملیاتی، سرمایه‌گذاری در مجموعه دارایی‌ها، تغییر در عرضه محصول، تغییر بازار و عملکرد تجاری شرکت‌های

بحران زده رابطه معنا داری وجود دارد. اما بین راهبرد واگذاری یا فروش مجموعه دارایی‌ها و عملکرد تجاری رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین، یافته‌های مطالعه مزبور تأثیر اندازه شرکت و کمک‌های دولت بر رابطه میان راهبردهای احیا و عملکرد تجاری را مورد تأیید قرار نداد. اسماعیلی و حیدری (۱۳۹۱) نیز به بررسی عوامل کلیدی موفقیت در استقرار سیستم تولید کششی در صنعت قطعه‌سازی خودرو ایران به‌عنوان رویکردی در راستای ارتقای رقابت‌پذیری و پیشگیری از رکود در بنگاه‌های صنعتی پرداختند. بر اساس یافته‌ها، حمایت و تعهد مدیریت، کار گروهی، تولید هموار، مدیریت جریان، بهبود مستمر و تدوین قواعد پیاده‌سازی و استقرار سیستم تولید کششی به عنوان عوامل موفقیت شناسایی شدند.

بر اساس ادبیات و پیشینه پژوهش‌های داخلی پیرامون راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در حوزه صنعت قطعه‌سازی ایران می‌توان گفت که برخی از پژوهش‌ها بر نقش عوامل درون‌بنگاهی مانند تقویت و بازسازی سیستم‌های تولید و عملیات، تقویت فرایندهای بازاریابی و فروش، راهبردهای مدیریت منابع مالی و به‌طور کلی توانمندسازی انواع منابع سازمانی اشاره دارند. دستاورد پژوهش‌های انجام شده توسط موتمنی و همکاران (۱۴۰۲)، اسماعیلی و حیدری (۱۳۹۱)، رحمان سرشت و همکاران (۱۳۹۲)، براتی (۱۳۹۶)، کمالی سیدیگل و تقی‌زاده (۱۳۹۶)، مدنی زاده، کریمی راد و محمودزاده (۱۳۹۷)، امیری و همکاران (۱۳۹۹) و اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰b) بیشتر در این دسته قرار می‌گیرند. دستاوردهای برخی دیگر از مطالعات عمدتاً بر اهمیت عواملی اشاره دارند که مدیریت بنگاهی در تشکیل یا تغییر آن اثر بسیار ناچیزی می‌تواند داشته باشد. از این دسته عوامل می‌توان به حمایت سازمان‌ها و نهادهای بالادستی از بنگاه‌های تولیدی و وضعیت عمومی اقتصاد، مساعد بودن شرایط عمومی و نرخ شکوفایی صنعتی در کشور نام برد. رضوی و همکاران (۱۳۹۶)، رضائی، کسائی و موتمنی (۱۴۰۱)، اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰a) و مدنی‌زاده، کریمی‌راد و محمودزاده (۱۳۹۷) تحقیقانی هستند که عمدتاً به یافته‌هایی در چارچوب مزبور دست یافته‌اند.

جستجو و کنکاش پیرامون پژوهش‌های انجام یافته در سطح جهانی در خصوص شناسایی و بررسی راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی به خصوص بنگاه‌های صنعتی در زمینه قطعه‌سازی نشان می‌دهد که مطالعات عمدتاً پیرامون ارائه شاخص‌هایی متنوع و وابسته به وضعیت و شرایط مخصوص به خود برای جوامع آماری مختلف سوق داشته است. گرچه، یافته‌ها در اغلب پژوهش‌های یاد شده به راهبردهای قبلاً اشاره شده در پژوهش‌های ایرانی در زمینه تحقیق شباهت دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به ککانا و همکاران (۲۰۲۴)، بوگجا، شان و زو (۲۰۲۳)، کاستلو-سیرونت و راجر-

مونزو (۲۰۲۲) و راسلین اسمیت و پرتوریوس^۱ (۲۰۲۲) اشاره کرد که مانند برخی تحقیقات داخلی، عمدتاً بر نقش پارامترهای مالی و راهبردهای مرتبط با تقویت آن در احیا و خروج از رکود در بنگاه‌های صنعتی تاکید داشته‌اند. ریکو، پاندیت و پویگ (۲۰۲۱)، میگلانی، احمد و هنری (۲۰۲۰)، اوکلو^۲ (۲۰۱۷) نیز بر راهبردهایی همچون تقویت و بازسازی سیستم‌های تولید و عملیات، سازماندهی ساختارهای داخلی و توانمندسازی در بنگاه‌های صنعتی در راستای عبور از بحران و رکود بنگاه‌ها اشاره داشتند. همچنین، مارودین و همکاران (۲۰۱۹) و ویک^۳ (۲۰۲۳) بر روندهای بهبود و تقویت فرایندهای تولید و عملیات کارخانه‌ای و سازماندهی دقیق منابع در بنگاه‌های قطعه‌ساز در راستای افزایش تولید و جلوگیری از وقوع بحران و رکود بنگاه تاکید داشتند. از سوی دیگر، برخی از تحقیقات خارجی به عواملی دیگر و فراتر از موارد اشاره شده در مطالعات داخلی نیز اشاره داشتند. به‌عنوان مثال، سروانکار و یوال^۴ (۲۰۱۹) بر نقش تکنولوژی‌هایی همچون واقعیت افزوده در زمینه تولید قطعات پیچیده و در راستای تلاش برای ایجاد مزیت رقابتی پایدار و پیشگیری از رکود در بنگاه‌های صنعتی در زمینه قطعه‌سازی اشاره داشتند. سوری، آرزو و داسترس (۲۰۲۳) و کندی و همکاران^۵ (۲۰۲۲) نیز استفاده از فناوری‌های نوین صنعت نسل چهارم از جمله دوقلوی دیجیتال در راستای بازسازی فرایندهای تولید و عملیات و ارتقای مزیت‌های رقابتی با هدف‌گذاری از بحران‌های مختلف در بنگاه‌های صنعتی را برای گذار از دوران رکود بنگاه تجویز نموده‌اند. دسته‌بندی‌هایی نظیر تفکیک راهبردهای موثر بر احیای محیط داخلی و خارجی بنگاه برای خروج از رکود نیز در برخی از پژوهش‌های خارجی به چشم می‌خورد. از جمله، شرر^۶ (۲۰۰۳) پیش‌بینی روند نزول و رکود در کسب و کارهای صنعتی را از طریق بررسی و تجزیه و تحلیل علایم مرتبط با آن در محیط داخلی و خارجی بنگاه و اتخاذ راهبردهای مقتضی برای برون‌رفت از حالت رکود را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش دارای رویکردی توسعه‌ای-کاربردی است. همچنین، به لحاظ روش نوعی پژوهش ترکیبی (کیفی و کمی) محسوب می‌شود. بخش کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل

^۱. Kekana et al, Bugeja, Shan and Zu, Castelló-Sirvent and Roger-Monzó and Rosslyn-Smith and Pretorius

^۲. Miglani, Ahmed, and Henry and Okello

^۳. Marodin et al. and Wyk

^۴. Sarvankar and Yewale

^۵. Conde et al.,

^۶. Scherrer

مضمون و بخش کمی با استفاده از رویکرد پیمایش برای اعتبارسنجی مدل کیفی و با استفاده از رویکرد آماری تحلیل عاملی انجام شد. عدم جامعیت و پوشش کامل مطالعات انجام شده در زمینه راهبردهای برون رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی، منطق اصلی در استفاده از روش تحلیل مضمون است. برای انجام تحقیق، در این پژوهش از مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به عنوان فنون جمع‌آوری داده‌های کیفی و تشکیل مدل مفهومی استفاده شد. همچنین، از گردآوری داده‌های میدانی با ابزار پرسش‌نامه برای اعتبارسنجی مدل کیفی استفاده شده است. لذا، ابتدا داده‌های کیفی از طریق مصاحبه، گردآوری و تحلیل شدند و مدل نظری تشکیل شد. سپس مدل مزبور از طریق گردآوری داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه و با رویکرد تحلیل عاملی تاییدی اعتبارسنجی شده است.

تحقیق حاضر در قلمرو مقطعی انجام شده است. جامعه آماری بخش کیفی از میان خبرگان دانشگاهی، صنعتی و سیاستگذاران کلان مرتبط با حوزه مطالعه انتخاب شد. در روند انجام مصاحبه‌ها، کفایت نظری^۱ نمونه‌گیری در مصاحبه پانزدهم حاصل شد. با این حال، مصاحبه‌ها تا خبره ۱۷ ادامه یافت و به دلیل اضافه نشدن موارد جدید در دو مصاحبه آخر، اشباع نظری، حاصل و روند انجام مصاحبه‌ها متوقف شد. نمونه آماری بخش کیفی برای انجام مصاحبه‌ها، شامل ۱۷ نفر در قالب ذیل بود: دسته اول شامل ۶ نفر از خبرگان دانشگاهی و اعضای هیئت علمی دارای فعالیت‌های پژوهشی در ارتباط با صنعت، رکود و احیای صنعتی دارای حداقل ۲ مورد مقاله چاپ شده در ژورنال‌های علمی معتبر، دسته دوم شامل ۵ نفر از مدیران و تصمیم‌گیران کلان رده‌های بالادست، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با صنعت، حمایت از واحدهای صنعتی و سیاستگذاری‌های کلان در رده‌های استانی و کشوری و در نهایت دسته سوم شامل ۶ نفر از رؤسا و مدیران ارشد فعال در بنگاه‌های صنعتی در زمینه قطعه‌سازی دارای حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف علوم اداری. تحلیل داده‌های کیفی با نرم افزار مکس کیودا انجام شد. نهایتاً پس از بررسی روایی و پایایی داده‌های کیفی و مدل نظری، روند کیفی تحقیق به اتمام رسید و یافته‌ها در قالب مدل نظری در قالب پرسش‌نامه جهت اعتبارسنجی یافته‌ها با رویکردهای آماری، آماده‌سازی شدند.

جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل مدیران ارشد شرکت‌های قطعه‌سازی خودرو

^۱. Theoretical Saturation

مستقر در شمال غرب کشور بود. تعداد شرکت‌های مزبور در قلمرو مکانی و زمانی تحقیق بر اساس آخرین آمارهای اخذ شده از سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و سایر سازمان‌های ذیربط، ۴۴۳۶ شرکت تخمین زده شد. نمونه آماری از میان جامعه و به صورت غیرتصادفی در دسترس انتخاب شده است. نمونه آماری (به صورت اولیه و غیرقطعی) بر اساس جدول گرجسی-مورگان با خطای ۰/۰۵ به تعداد ۳۵۱ مشخص شد. با لحاظ داشتن این امر که عموماً گردآوری و اخذ داده‌های سازمانی به دلایل مختلف عموماً با نوعی مقاومت همراه است، پس از توزیع تعداد بیشتری پرسشنامه، مجموعاً ۳۸۰ عدد توزیع و در نهایت تعداد ۳۶۰ پرسشنامه سالم تحلیل شدند. روایی پرسش‌نامه تحقیق با روش ارزیابی کمی محتوا و پایایی آن قبل از توزیع نهایی با روش آزمون سازگاری درونی با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ بررسی و سازه‌های آن مورد تایید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از نرم‌افزارهای اسپس‌اس ۲۳ و اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی یافته‌های رویکرد تحلیل مضمون نشان داد که در مجموع ۵۱۹ کد باز بدون تکرار استخراج گردید که نهایتاً در قالب ۶۳ مفهوم اصلی جمع‌بندی شد. مفاهیم اصلی نیز در چهارچوب ۱۱ مقوله فرعی ارائه شده است که آن‌ها نیز به نوبه خود در قالب ۳ مقوله کلی تحت عناوین: مقوله کلی "راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی"، "راهبردهای سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود (میان بنگاهی)" و "راهبردهای حمایت محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی" بخش‌بندی و مدل نهایی پژوهش تشکیل شده است. در جدول ۱، یافته‌های مربوط با مضامین استخراج شده از تحلیل مضمون در قالب مدل کیفی راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی خودرو در ایران ارائه شده است.

جدول ۱. راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی

مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم اصلی	فراوانی کد باز
راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی	تقویت و بهبود تدریجی عوامل تولید درون بنگاهی	تشویق و تقویت تیم‌های بهبود تدریجی فرایند با هدف بهبود و ارتقای کیفیت خروجی‌ها در سیستم‌های تولید و عملیات	۶
		پیاده‌سازی و اجرای سیستم‌های بهبود تدریجی و ارتقای کیفیت خروجی‌ها	۷
		بهسازی خطوط و فرایند جاری تولید و عملیات با هدف کاهش ضایعات و سایر هزینه‌ها همراه با افزایش کیفیت تولید	۷
		توسعه واحدهای تحقیق، توسعه و بهسازی محصولات در بنگاه‌های صنعتی	۹
	بازنگری و تجدید	بازتنظیم و تجدید زیرساخت‌های مربوط به فرایندهای تولید و عملیات با هدف رقابتی کردن قیمت تمام شده محصولات	۱۲

مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم اصلی	فراوانی کد باز
(زیرساخت محوری) در بنگاه	نظر اساسی در زیرساخت‌ها	تلاش در بازنگری و تجدید زیرساخت‌ها در راستای حرکت از اداره سنتی به سمت اداره به روز و کارآمدتر بنگاه صنعتی	۸
		جایگزینی ماشین‌آلات و ادوات تولید فرسوده و کم بهره با تجهیزات مدرن و با کیفیت	۱۱
		تمرکز بر تقویت و ارتقای مزیت‌های رقابتی پایدار شرکتی در روندهای بازسازی و تجدید نظر زیرساخت‌های بنگاه	۶
		بازتنظیم زیرساخت‌ها در راستای تولید و فروش محصولات صادراتی	۱۱
	راهبردهای مربوط مدیریت دانش شرکتی با هدف خروج از رکود بنگاه صنعتی	ایجاد شبکه‌های همکاری میان بنگاه‌های صنعتی به منظور تکمیل زنجیره ارزش و اشتراک منابع و پتانسیل‌ها	۱۱
		ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اشتراک دانش فنی بنگاه‌های صنعتی را که به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی	۷
		بازنگری و تقویت سیستم‌های مدیریت دانش مشتری در راستای ایجاد دانش برای برون‌رفت از شرایط رکود	۹
		بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی زمان واقعی ^۱ درون شرکتی در تنظیم برنامه تولید و عرضه محصولات	۱۳
		بهره‌گیری مناسب مدیریت از سیستم‌های اطلاعاتی زمان واقعی درون بنگاهی در آگاهی از وضعیت موجودی کالای تمام شده، مواد خام و نیمه تمام	۱۳
		بازنگری و تنظیم سیستم‌های مدیریت دانش شرکتی با هدف ارتقای توان رقابتی بنگاه	۱۲
توانمندسازی تخصصی و مدیریتی اعضای بنگاه با هدف مدیریت تغییر در راستای خروج از رکود	توانمندسازی تخصصی و مدیریتی اعضای بنگاه با هدف مدیریت تغییر در راستای خروج از رکود	تدوین و اجرای برنامه‌های هدفمند آموزشی و توانمندسازی درون شرکتی برای مدیران و کارکنان بنگاه‌ها با هدف خروج از رکود بنگاه اقتصادی	۹
		آموزش و توانمندسازی تخصصی مدیران با هدف کاستن ضعف‌های مربوط به مهارت‌های مدیریتی و مدیریت تغییر در گذار از رکود	۷
		آموزش و توانمندسازی تخصصی کارکنان در راستای کاستن ضعف‌های مربوط به سازمان‌سازی	۷
		آموزش و توانمندسازی تخصصی کارکنان در راستای کاستن ضعف‌های مربوط به تدوین و اجرای راهبردهای مدیریتی بازار	۸
		بازنگری و تحول در راستای مدیریت دانش شرکتی از طریق فناوری‌های نوین مانند دوقلوی دیجیتال	۷
	راهبردهای بازار محور در برون‌رفت از رکود بنگاه	تمرکز بیشتر بر مشتریان کلیدی بنگاه در فرایندهای بازاریابی و فروش	۱۰
		حرکت از بازاریابی کانال‌های انبوه به سمت کانال‌های مستقیم و مجازی و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی برای جذب مشتریان بیشتر	۷
		تنظیم کیفیت خروجی‌های سیستم تولید مبتنی بر کیفیت قابل قبول برای مشتریان در بازارهای هدف	۶
		افزایش سطح بازاریابی در بنگاه‌ها به عنوان یک هدف مهم و استراتژیک	۱۰
		سیاستگذاری مناسب در راستای بازتنظیم رقابتی قیمت محصولات تولید شده	۱۰
		تلاش در رفع ضعف‌های احتمالی بنگاه از منظر پرندینگ و هویت‌سازی در بازار	۵
		حذف محصولات غیر رقابتی از چرخه تولید و جایگزینی آن‌ها با تولید محصولات رقابتی در فرایند عرضه به بازار	۸
		انجام دقیق تحقیقات بازاریابی در راستای شناسایی بازارها و مشتریان هدف	۶
راهبردهای مربوط به مدیریت منابع مالی درون‌بنگاهی	راهبردهای مربوط به مدیریت منابع مالی درون‌بنگاهی	بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی زمان واقعی در تنظیم و مدیریت مالی بنگاه	۱۱
		تامین سرمایه ثابت و سرمایه در گردش کافی برای انجام پروژه‌های مدیریت تغییر بنگاهی که دارای ریسک بسیار پایین باشند	۵

¹. Real Time Information System

مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم اصلی	فراوانی کد باز
راهبردهای سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود (میان بنگاهی)	بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از پیچیدگی عمودی زنجیره‌های تامین	تجدیدنظر در ساختار دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری شرکتی به نفع مدیریت تغییر در سطح بنگاهی	۶
		حفاظت از جریان‌های نقدی کوتاه‌مدت در بنگاه (تولید درآمد) در مقابل سرمایه‌گذاری‌های ریسک پذیر در روندهای تصمیم‌گیری مالی شرکت	۶
		کاهش هزینه‌های غیرضروری و قطع هزینه‌های اضافی و غیر ارزش آفرین در بنگاه صنعتی قطعه‌ساز	۱۳
		واگذاری یا فروش مجموعه دارایی‌های مازاد (تقلیل دارایی‌ها) در شرکت قطعه‌سازی از طریق فروش یا تبدیل آن به دارایی‌های مورد نیاز بنگاه اقتصادی در راستای ارتقای مزیت رقابتی	۳
راهبردهای حمایت محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی	بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از پیچیدگی افقی در زنجیره‌های تامین	تلاش شرکت در برقراری اتحادهای راهبردی با اعضای طولی در زنجیره تامین (بالارده و پایین رده نسبت به شرکت)	۳
		برون سپاری فعالیت‌های دارای حاشیه سود و اهمیت پایین به اعضای زنجیره دارای اتحاد راهبردی با بنگاه	۵
		تلاش در تسهیم و تبادل دانش در راستای تقویت اثربخشی جریان‌های اطلاعاتی مؤثر با بالادست و پایین دست شرکت	۴
		ادغام بنگاه با شرکت(های) موفق در بالادست زنجیره به عنوان راه حل نهایی در صورت عدم تقویت شبکه سازی و رفع موانع و ضعف‌های مرتبط با آن در راستای بستن بیمان‌های راهبردی با اعضای طولی زنجیره	۵
		بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی زمان واقعی در میان اعضای طولی زنجیره برای آگاهی از وضعیت موجودی کالاها، تمام شده، مواد خام و نیمه‌تمام با هدف تنظیم تولید	۵
		برقراری تعامل و همکاری با شرکتهای استارت آپی با هدف وارد کردن نوآوری به فرایندهای مختلف شرکتی	۵
	بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از پیچیدگی عمودی زنجیره‌های تامین	تلاش در برقراری اتحادهای راهبردی و همکاری‌های مشترک در عرض زنجیره‌های تامین (مقصود از عرض، بنگاه‌های اقتصادی رقیب واقع در لایه‌های هم‌رده و مشابه با شرکت قطعه‌ساز است)	۱۳
		تلاش در ادغام با قطعه‌سازان رقیب و دارای وضعیت برتر رقابتی در زنجیره تامین	۱۲
		به‌کارگیری ظرفیت‌های بدون استفاده بنگاه‌های صنعتی معادل با رویکرد استراتژی تولید بدون کارخانه برای کاهش هزینه‌های سرمایه ثابت (برون سپاری فعالیت‌ها)	۸
		تعاملات صنفی شرکت‌های قطعه‌ساز هم‌رده در زنجیره‌های تامین با دولت و وزارت صمت در راستای تشکیل اتحادیه‌های صنفی با هدف کاهش ریسک و جلوگیری از اختلال‌های منجر به رکود	۱۲
		استفاده از روش‌های موسوم به تامین مالی جمعی (کراود فاندینگ) برای تامین مالی بنگاه‌های صنعتی	۶
		افزایش تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر با رویکرد اعطای حمایت مالی با شرایط مناسب (سود پایین، تنفس بلندمدت و ضمانت‌نامه‌های حداقلی) به بنگاه‌های صنعتی	۶
راهبردهای حمایت محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی	هدفمندسازی روند ارائه تسهیلات مالی از طریق منابع برون بنگاهی و حاکمیتی به شرکت	تصویب آیین‌نامه‌ها و قوانین در راستای ارتقای کارآمدی تعاملات بین سیستم بانکداری با بنگاه‌های تولیدی در راستای اعطای منابع مالی مورد نیاز	۱۱
		بازنگری موافات بانکی بنگاه‌های دارای نرخ استخدام مؤثر با هدف کمک به خروج از رکود در سطح بنگاهی	۷
		تسهیل در سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در مدرن‌سازی بنگاه‌های سنتی با هدف اصلی خروج از رکود بنگاه و هدف جانبی ارتقای اشتغال مؤثر	۹
		اعطای تسهیلات هدفمند بانکی با شرایط ویژه با هدف عبور از بحران رکود و دستیابی به شکوفایی بنگاه	۱۳
	ارائه تسهیلات و مشوق‌های غیرمالی از طریق منابع	اعطای معافیت‌های مالی و مالیاتی به بنگاه‌های دارای شرایط رکود در راستای کاهش فشارهای مالی	۱۳
		هدفمندسازی ابزارهای اقتصادی دولت از جمله چگونگی اعطا و بازپرداخت وام‌های زودبازده با هدف خروج از رکود در بنگاه‌های قطعه‌ساز	۱۲
		ارائه دوره‌های رایگان و هدفمند آموزشی برای اعضای مختلف در بنگاه‌های صنعتی فعال با هدف تقویت صنعت قطعه‌سازی در سطوح مختلف	۹
		ایجاد قوانین الزام‌آور در راستای عدم اعطای مجوز برای تولید محصولات تولیدی اشباع شده در محیط کسب و کار صنعت قطعه‌سازی	۷

مقوله کلی	مقوله فرعی	مفاهیم اصلی	فراوانی کد باز
	حاکمیتی	تنظیم آئین نامه‌ها و الزامات خرید قطعات تولید داخل توسط نهادهای دولتی به خودروسازان داخلی	۷
		برقراری نظام‌های جامع تحقیق و توسعه کلان در شناسایی نقاط قوت و رفع ضعف بنگاه‌های صنعتی با هدف توانمندسازی	۸
		تنظیم و اجرای قوانین حامی از عدم واردات بی‌رویه کالاهای دارای مشابه تولید شده توسط قطعه‌سازان داخلی	۷
		برنامه‌ریزی برای ارتقای سهم تولید دانش‌بنیان در بنگاه‌های قطعه‌سازی	۱۰
		تسهیل مقررات گمرکی در راستای ارتقای نرخ صادرات محصولات رقابتی برای بنگاه‌های قطعه‌سازی	۷
	تلاش در ارتقای ثبات اقتصادی و بهره‌گیری از اثرات مطلوب آن بر محیط‌های کسب و کار	بهبود محیط کسب و کار از منظر امنیت سیاسی، اجتماعی و قضائی در جذب سرمایه	۶
		تصویب قوانین و آیین نامه‌های مشوق برای ارتقای جذابیت سرمایه‌گذاری و فعالیت در صنعت قطعه‌سازی	۵
		تلاش سیستم حاکمیتی در راستای دستیابی به ثبات در سیاستگذاری صنعتی و قوانین و مقررات گمرکی، مالیاتی و بیمه مرتبط با قطعه‌سازان	۱۰

در راستای اعتبارسنجی نظریه ارائه شده در بخش کیفی تحقیق، موارد شناسایی شده به‌عنوان راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی به صورت پرسش‌نامه به صورت ۵ گزینه‌ای لیکرت تهیه و تنظیم شد. پرسش‌نامه پس از بررسی و تایید روایی و پایایی، مابین اعضای نمونه آماری توزیع و داده‌های گردآوری شده، طبق مدل مفهومی وارد اسمارت پی‌اِل‌اِس شد و از لحاظ آماری با رویکرد تحلیل عاملی تاییدی تجزیه و تحلیل شده است. در جدول ۲، یافته‌های آماری مرتبط با اعتبارسنجی مدل، شاخص‌های روایی همگرا^۱ یا میانگین واریانس استخراج شده، پایایی ترکیبی کل^۲، پایایی ترکیبی دیکسترا-هنسلر^۳ و پایایی سازگاری برای سازه‌های مدل گزارش شده است.

جدول ۲. مقادیر شاخص‌های بررسی کیفیت اجزای مدل

مقوله‌ها	پایایی سازگاری (کرونباخ)	دیکسترا-هنسلر	پایایی ترکیبی کل	میانگین واریانس استخراجی
راهبردهای برون‌رفت از رکود بنگاه‌های قطعه‌سازی	۰.۹۵	۰.۹۸۷	۰.۹۵۳	۰.۶۳۱
ارتقای ثبات اقتصادی	۰.۷۲۱	۰.۷۴۲	۰.۸۴۳	۰.۶۴۴
تجدید نظر در زیرساخت‌های بنگاه	۰.۹۶۴	۰.۹۶۴	۰.۹۷۱	۰.۸۴۸
تسهیلات و مشوق‌های غیرمالی	۰.۹۳۸	۰.۹۴۸	۰.۹۵۱	۰.۷۴
تقویت و بهبود عوامل تولید	۰.۹۶۶	۰.۹۶۷	۰.۹۷۵	۰.۹۰۸
توانمندسازی تخصصی	۰.۹۴۷	۰.۹۴۷	۰.۹۵۹	۰.۸۲۵
راهبردهای بازار محور	۰.۹۲۸	۰.۹۳۱	۰.۹۴۱	۰.۶۶۷
راهبردهای حاکمیتی و عوامل کلان	۰.۸۸۷	۰.۹۳۹	۰.۹۰۴	۰.۵۹۵

^۱. Average Variance Extracted (AVE)

^۲. Composite Reliability (Rho-c)

^۳. Dijkstra-Henseler Composite Reliability (Rho-a)

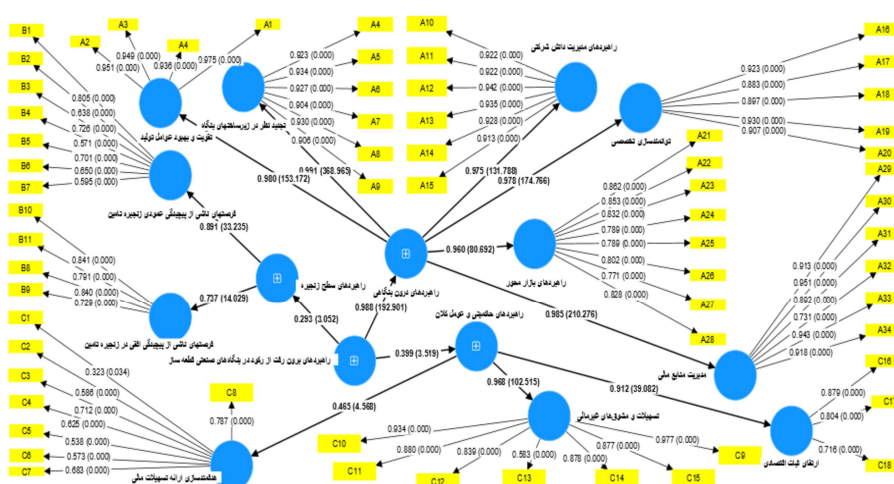
مقوله‌ها	پایایی سازگاری (کرونباخ)	دیکسترا-همنسلا	پایایی ترکیبی کل	میانگین واریانس استخراجی
راهبردهای درون بنگاهی	۰.۹۹	۰.۹۹۱	۰.۹۹۱	۰.۷۶۶
راهبردهای سطح زنجیره	۰.۸۱	۰.۸۲۲	۰.۸۵۳	۰.۶۵۱
راهبردهای مدیریت دانش شرکتی	۰.۹۶۷	۰.۹۶۷	۰.۹۷۳	۰.۸۵۹
فرصت‌های ناشی از پیچیدگی افقی در زنجیره تامین	۰.۸۱۷	۰.۸۳۶	۰.۸۷۷	۰.۶۴۲
فرصت‌های ناشی از پیچیدگی عمودی زنجیره تامین	۰.۷۹۶	۰.۸۰۲	۰.۸۵۲	۰.۵۵۴
مدیریت منابع مالی	۰.۹۴۹	۰.۹۵۷	۰.۹۶	۰.۸۰۷
هدفمندسازی در ارائه تسهیلات مالی	۰.۷۵۹	۰.۷۹۷	۰.۸۲۵	۰.۵۸۱

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که ارتباط و تاثیر تمامی سازه‌های اصلی و فرعی مدل راهبردهای دوران رکود در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. با توجه به این که روایی همگرا اندازه‌ای است که بر اساس متوسط واریانس استخراج شده محاسبه شده و نشان می‌دهد یک سنج به سنج‌های جایگزین در همان سازه به چه میزان همبستگی مستقیم دارد، لذا در بررسی اجزای مدل‌های معادلات ساختاری جایگاه ویژه دارد. در تفسیر این شاخص باید بدین نکته اشاره نمود که مقدار حداقل متوسط واریانس تبیین شده معادل ۰/۵ بیانگر روایی همگرایی مناسب است؛ به این معنی که یک متغیر مکنون می‌تواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، با توجه به این که متوسط واریانس تبیین شده برای هر یک از سازه‌های اصلی مدل بیشتر از ۰/۵ است، بنابراین روایی همگرا برای مدل تحقیق تأیید می‌گردد.

آلفای کرونباخ معیار بررسی پایایی سازه‌ها از منظر سازگاری درونی در مدل‌های آماری از گونه تحلیل عاملی است که همبستگی درونی معرف‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های گزارش شده در جدول ۲، ملاحظه می‌شود که مقادیر آلفای کرونباخ برای تمامی سازه‌های اندازه‌گیری شده، بزرگ‌تر از ۰/۷ است. بنابراین بر اساس آلفای کرونباخ تک بعدی بودن تمامی سازه‌ها تأیید می‌گردد. با توجه به این که آلفای کرونباخ تنها برآوردی از پایایی از منظر سازگاری درونی متغیرهای مکنون ارائه می‌دهد، در مدل‌های مسیری از گونه پیل‌اس از دو نوع شاخص پایایی مرکب نیز استفاده می‌شود. ملاحظه می‌شود که مقادیر پایایی ترکیبی کل و پایایی ترکیبی دیکسترا-همنسلا برای تمامی مدل‌های اندازه‌گیری بزرگ‌تر از ۰/۷ به دست آمده است. بنابراین بر اساس معیارهای پایایی مرکب، تک بعدی بودن تمامی مدل‌های اندازه‌گیری مجدداً تأیید می‌گردد. بررسی مقادیر مربوط به روایی افتراقی سازه‌ها (معیار فورنل-لارکر) در مدل تحقیق نیز نشان داد که مقادیر ریشه دوم هر میانگین واریانس استخراجی سازه بیشتر از بالاترین همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های مدل به دست آمده است. لذا، مدل از منظر شاخص روایی افتراقی قابل قبول بوده است. در ادامه ارائه گزارش

وضعیت اجزای مدل تحلیل عاملی، بررسی روایی و اگر (افتراقی) با بهره‌گیری از روند فورنل-لارکر برای تمامی سازه‌ها نیز نشان داده است که ریشه دوم میانگین واریانس استخراجی هر سازه بیشتر از بالاترین همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های مدل بوده است. لذا، مدل پژوهش از منظر روایی افتراقی مناسب است.

در راستای ارزیابی مدل ساختاری تحقیق، در شکل ۱، خروجی نهایی برآوردهای مرتبط با ضرایب مسیر همراه با مقادیر آماره تی داخل پرانتز، مقادیر بارهای عاملی متغیرهای آشکار و داخل پرانتز مقادیر آماره تی برای هر کدام و ضرایب تعیین متغیرهای وابسته در چارچوب مدل تحقیق ارائه شده است. یافته‌های مربوط به گزارش شکل ۱ نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی به دست آمده برای متغیرهای آشکار مرتبط با هر کدام از سازه‌های مکنون بیشتر از ۰/۶ است و مقادیر آماره تی متناظر با هر کدام، بزرگتر از ۱/۹۶ است. این امر نشان دهنده مناسب بودن بارهای عاملی در بررسی پایایی معرف‌ها بوده است. به عبارت بهتر نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که هر سازه به طور مناسبی دارای معرف‌های همگرا بوده است. مطابق با یافته‌ها مشخص گردید که تمامی مقادیر به دست آمده مربوط به آماره تی برای ضرایب مسیر مابین اجزای مدل نیز، از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. لذا، معنی‌دار بودن تمامی مسیرها در مدل و روابط تعریف شده میان متغیرها (مکنون و آشکار) در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری تحقیق در حالت ضرایب استاندارد و اعداد معناداری

یافته‌های شکل ۱ نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی به دست آمده برای متغیرهای آشکار مرتبط با هر کدام از سازه‌های مکنون بیشتر از ۰/۵۵ و سطوح معنی‌داری همگی کمتر از ۰/۰۵ (البته به استثنای شاخص c1 در مقوله هدفمندسازی ارائه تسهیلات

مالی که مقدار $0/323$ با سطح معنی‌داری به میزان $0/034$ و مقادیر آماره تی برای بارهای عاملی بیشتر از $1/96$ و سطوح معنی‌داری کمتر از $0/05$ به دست آمده است. این امر نشان‌دهنده مناسب بودن تمامی مقادیر بارهای عاملی در بررسی پایایی معرفها بوده است.

برای بررسی برازش ساختار مدل پژوهش از دو معیار تناسب پیش‌بین (Q^2) و نیکویی برازش در ارزیابی سازه‌های مکنون استفاده شده است. در راستای انجام مقایسه و تحلیل وضعیت معیار تناسب پیش‌بین شاخص تناسب پیش‌بین، سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ به ترتیب به عنوان قدرت پیش‌بینی پایین، متوسط و قوی به صورت تجربی لحاظ می‌شود. با توجه به یافته‌های گزارش شده در اشکال و جداول، مقادیر شاخص پیش‌بین برای تمامی سازه‌های مکنون مدل در محدوده قوی برآورد شده است. برای برازش کلی مدل از منظر نیکویی برازش نیز، میانگین مقادیر اشتراکی $0/884$ و میانگین شاخص R^2 برای متغیرهای وابسته مکنون $0/7345$ به دست آمده است. لذا شاخص نیکویی برازش به میزان $0/8058$ قابل حصول است. بطور معمول سه معیار $0/1$ ، $0/25$ و $0/36$ برای ارزیابی وضعیت شاخص نیکویی برازش و به ترتیب نشانگر ضعیف، متوسط و قوی بودن کل مدل لحاظ می‌شود. لذا، هر چه مقدار شاخص نیکویی برازش به عدد یک نزدیک باشد، بیانگر مناسب‌تر بودن مدل است. با توجه به مقدار نیکویی برازش محاسبه شده در فوق، می‌توان گفت که برای کل مدل ارائه شده از میزان برازش بسیار قوی برخوردار بوده است. نهایتاً، بر اساس یافته‌های ارائه شده در فوق می‌توان نتیجه گرفت ابعاد مدل راهبردهای احیای زنجیره تامین در شرایط رکود در صنعت قطعه‌سازی خودرو از منظر آماری مورد تایید واقع شده است. نهایتاً در شکل ۲، هیستوگرام ضرایب تشخیص (تعیین) تعدیل شده برای مقوله‌های وابسته مدل برای بررسی شدت اثر هر کدام از سازه‌ها به عنوان راهبردهای بنگاه‌های صنعت قطعه‌سازی بر خروج از دوران رکود شرکتی ارائه شده است.



شکل ۲. هیستوگرام ضرایب تشخیص (تعیین) از نوع تعدیل شده برای مقوله‌های وابسته در مدل

مقادیر ضرایب تعیین تعدیل شده در شکل ۲، میزان تغییرات موجود در متغیر وابسته را بر اساس متغیرهای مستقل مرتبط با آن بدون تاثیر افزایش تعداد مشاهدات یا افزایش متغیرهای مستقل تبیین می‌کند. بنابراین مقدار شاخص مزبور با فرض تاثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و تعدیل اثر تجمعی مشاهدات و متغیرهای مستقل تشکیل می‌شود و مقدار آن بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. از سوی دیگر، هر مقدار ضرایب تعیین مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است و سه مقدار $0/19$ ، $0/33$ و $0/67$ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در برازش بخش ساختاری مدل به وسیله ضرایب تعیین تعریف شده است. با توجه به یافته‌های قبلی و یافته‌های مربوط به ضرایب تعیین، و این امر که معمولاً مقادیر شاخص ضریب تعیین کمی بیشتر از مقادیر تعدیل شده برای مقولات به دست می‌آیند، می‌توان گفت که مدل در حالت کلی از منظر شاخص مزبور نیز دارای مقدارهای برازش مناسب بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی خودرو طراحی و ارائه شده است. در این راستا، پژوهشی توسعه‌ای-کاربردی و از منظر روش از گونه ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد. تحلیل بخش کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون و تحلیل‌های کمی برای اعتبارسنجی مدل کیفی و با استفاده از رویکرد آماری تحلیل عاملی انجام شده است. منطق اصلی در استفاده از روش تحلیل مضمون، عدم جامعیت و پوشش کامل مطالعات انجام شده در زمینه راهبردهای برون‌رفت از شرایط رکود و احیای بنگاه‌های صنعتی فعال در زمینه قطعه‌سازی برای وضعیت به خصوص محیط کسب و کار در ایران بود. برای انجام تحقیق، در این پژوهش از مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به عنوان فنون جمع‌آوری داده‌های کیفی و تشکیل مدل مفهومی استفاده شده است. همچنین، از گردآوری داده‌های میدانی با ابزار پرسش‌نامه برای اعتبارسنجی مدل کیفی استفاده شده است. لذا، ابتدا داده‌های کیفی از طریق مصاحبه گردآوری و تحلیل شده و مدل نظری تشکیل شد. سپس مدل مزبور از طریق گردآوری داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه و با رویکرد تحلیل عاملی تاییدی، اعتبارسنجی شده است. یافته‌ها در قالب راهبردهای برون‌رفت از رکود برای بنگاه‌های قطعه‌سازی در قالب ۶۳ مفهوم اصلی، ۱۱ مقوله فرعی و ۳ مقوله کلی تحت عناوین: مقوله کلی "راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی"، "راهبردهای سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود (میان بنگاهی)"

و "راهبردهای حمایت محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی" بخش‌بندی و جمع‌بندی شده است.

یافته‌های نهایی نشان داد که همه اجزای مدل کیفی در جامعه تحقیق دارای اعتبار است. برای انجام بحث، بررسی و تحلیل در خصوص راهبردهای تشکیل شده در سطوح مقوله‌های اصلی و فرعی، در ادامه به شاخص ضریب تعیین تعدیل شده استناد می‌شود. مقادیر ضرایب تعیین تعدیل شده برای اجزای مکنون و وابسته مدل در شکل ۲ ارائه شده است. این مقادیر اثر متغیرهای وابسته مکنون به عنوان راهبردهای دوران رکود شرکتی (در قالب تاثیر کلی آن بر خروج از دوران رکود در بنگاه‌های صنعتی قطعه‌سازی) را نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌ها می‌توان دریافت که مقوله‌های فرعی: "تجدید نظر در زیرساخت‌های بنگاه" با مقدار شاخص ۰/۹۸۱، "مدیریت منابع مالی" با مقدار شاخص ۰/۹۷، "تقویت و بهبود عوامل تولید" با مقدار شاخص ۰/۹۶۱، "توانمندسازی تخصصی" با مقدار شاخص ۰/۹۵۷، "راهبردهای مدیریت دانش شرکتی" با مقدار شاخص ۰/۹۴۹، "تسهیلات و مشوق‌های غیرمالی" با مقدار شاخص ۰/۹۳۷، "راهبردهای بازار محور" با مقدار شاخص ۰/۹۲، "ارتقای ثبات اقتصادی" با مقدار شاخص ۰/۸۲۹ و "فرصت‌های ناشی از پیچیدگی عمودی زنجیره تامین" با مقدار شاخص ۰/۷۹۲، به ترتیب دارای بیشترین میزان اثر برآیندی به عنوان راهبردهای دوران رکود بنگاه‌های صنعتی در صنعت قطعه‌سازی ایران (در چارچوب مقوله‌های فرعی) شناسایی شده‌اند. با توجه به یافته‌ها، "بازنگری و تجدید نظر اساسی در زیرساخت‌ها (زیرساخت محوری) در بنگاه"، "راهبردهای مربوط به مدیریت منابع مالی درون بنگاهی با هدف ارتقای ظرفیت‌های تغییر و خروج از رکود"، "تقویت و بهبود تدریجی عوامل تولید درون بنگاهی"، "توانمندسازی تخصصی و مدیریتی اعضای بنگاه با هدف مدیریت تغییر در راستای خروج از رکود"، "راهبردهای مربوط مدیریت دانش شرکتی با هدف خروج از رکود بنگاه صنعتی" و "راهبردهای بازار محور در برون‌رفت از رکود بنگاه" به ترتیب بیشترین ضرایب تعیین تعدیل شده را داشتند که همگی در چارچوب مقوله کلی تحت عنوان "راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی" قرار دارند. مقوله کلی یاد شده، با مقدار شاخص ۰/۹۷۶ در میان مقولات کلی از بیشترین مقدار ضریب تعیین تعدیلی برخوردار است. این امر، نشانگر اهمیت بالای آن در میان مقولات کلی به عنوان راهبردهای دوران رکود بنگاه‌های صنعتی در صنعت قطعه‌سازی است.

تاکید بر عواملی مانند توانمندی درون بنگاهی، مدیریت دانش درون شرکتی و بهبود تدریجی سیستم تولید در مطالعات دیگر همچون: موتمنی و همکاران (۱۴۰۲)، اسماعیلی و حیدری (۱۳۹۱)، رحمان سرشت و همکاران (۱۳۹۲)، برای (۱۳۹۶)، کمالی سیدیگلو و

تقی‌زاده (۱۳۹۶)، مدنی زاده، کریمی راد و محمودزاده (۱۳۹۷)، امیری و همکاران (۱۳۹۹) و اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰b)، بوگجا، شان و زو (۲۰۲۳)، کاستلو-سیرونت و راجر-مونزو (۲۰۲۲) و راسلین اسمیت و پرتوریوس (۲۰۲۲) اشاره شده است که این امر نشان‌گر هم‌راستایی بخشی از یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های مربوط به مطالعات مذکور است.

پس از مفاهیم مورد اشاره در فوق، "ارائه تسهیلات و مشوق‌های غیرمالی از طریق منابع حاکمیتی" و "تلاش در ارتقای ثبات اقتصادی و بهره‌گیری از اثرات مطلوب آن بر محیط‌های کسب و کار" به عنوان مقوله‌های مهم دیگر در محدوده "راهبردهای حمایت محور در سطح حاکمیتی و عاملین کلان برون بنگاهی" و "بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از پیچیدگی عمودی زنجیره‌های تامین" در چارچوب مقوله اصلی "راهبردهای سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود (میان بنگاهی)" شناسایی شده است. با توجه به چگونگی تفسیر مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده، گرچه میزان شاخص مزبور برای تمامی مفاهیم مناسب به دست آمده است، ولی باقی مقوله‌های فرعی اشاره نشده در دو پاراگراف فوق، به‌عنوان مقوله‌های کم‌اهمیت و یا کم‌تاثیر به عنوان راهبردهای احیای زنجیره تامین در شرایط رکود در صنعت قطعه‌سازی خودرو قابل استخراج است. بر همین اساس به صورت اجمالی می‌توان گفت که یافته‌ها نشان می‌دهد "راهبردهای میان بنگاهی و در سطح زنجیره در خروج از شرایط رکود" دارای ضعیف‌ترین میزان تاثیر به عنوان یک مقوله کلی از راهبردهای دوران رکود در بنگاه‌های صنعتی در صنعت قطعه‌سازی ایران شناسایی شده است.

راهبردهای درگیر با منابع و عوامل درون بنگاهی به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای دوران رکود در بنگاه‌های صنعتی در صنعت قطعه‌سازی شناسایی شده است. از سوی دیگر، علی‌رغم تایید سایر راهبردهای رکود در قالب مقوله‌های اصلی در یافته‌های مدل اعتبارسنجی، اهمیت سایر مقوله‌های اصلی کمتر از مقوله یاد شده شناسایی گردیده است. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که بنگاه‌های صنعتی قطعه‌سازی در راستای ارتقای سطح رقابت‌پذیری بر اساس جذب تکنولوژی‌های نوین تولید و عملیات، رویکردهای مدیریت کیفیت جامع، بهسازی روند مدیریت دانش شرکتی و گسترش هدفمند بازارها اهتمام ورزند تا بر این اساس جایگاه خود را از منظر رقابتی در میان شرکت‌های قطعه‌سازی خودرو در سطح جهانی پیدا کنند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از زحمات مدیران و مسئولان جامعه آماری پژوهش حاضر نهایت تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

تعارض منافع

نویسنده(گان) اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منابع

- اسماعیلی، احمد؛ قاضی نوری، سید سروش؛ نقی‌زاده، محمد؛ بامداد صوفی، جهانیار و منطقی، منوچهر. (۱۴۰۰a). قابلیت‌های عملیاتی به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های حضور در شبکه تأمین جهانی صنعت قطعه‌سازی خودرو؛ تحلیل چندموردی. *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*، ۹۵-۱۳۳، (۱)۹.
- اسماعیلی، احمد؛ قاضی نوری، سیدسروش؛ نقی‌زاده، محمد؛ بامدادصوفی، جهانیار و منطقی، منوچهر. (۱۴۰۰b). الگوی توسعه صنعتی در صنعت قطعه‌سازی خودرو ایران: بینش‌هایی برای درک واقعیت کنونی. *بهبود مدیریت*، ۱۱۵ (پیاپی ۵۱)، ۱۲۵-۱۴۷.
- اسماعیلی، مهدی و حیدری، علی. (۱۳۹۱). عوامل کلیدی موفقیت در استقرار سیستم تولید کشتی (مورد مطالعه: صنعت قطعه‌سازی خودرو ایران). *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۲(۶)، ۴۵-۶۶.
- امیری، صبا، نادری، نادر، محمدی‌فر، یوسف، رضایی، بیژن. (۱۳۹۹). تحلیل سلسله‌مراتبی اجزای مدل رکود بنگاه‌های صنعتی با هدف ارائه راهبرد. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، ۱۲(۲۴)، ۱۸۱-۲۰۷.
- امیری، صبا، نادری، نادر، محمدی‌فر، یوسف، رضایی، بیژن. (۱۳۹۹). تدوین مؤلفه‌های اصلی رکود بنگاه‌های صنعتی غذایی و دارویی. *مدیریت صنعتی*، ۱۱۲(۱)، ۱۴۳-۱۷۱.
- امیری، صبا؛ نادری، نادر؛ محمدی‌فر، یوسف و رضایی، بیژن. (۱۳۹۸). طراحی و تدوین مدل بازاحیای بنگاه‌های صنعتی راکد (مورد مطالعه: استان کرمانشاه). *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۹(۴)، ۶۳-۸۸.
- براتی، مسعود. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت روابط زنجیره تأمین بر رقابت پذیری شرکت‌های کوچک و متوسط صنعت قطعه‌سازی خودرو. *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۷(۲۶)، ۱۸۸-۱۶۹.

پاکزاد، مهدی؛ قاضی نوری، سیدسپهر و فاطمی، مهدی. (۱۴۰۰). طراحی آمیزه سیاستی برای توسعه بوم سازگان نوآوری آذربایجان شرقی؛ مورد مطالعه: صنعت قطعه‌سازی خودرو. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۷(۱)، ۹۷-۱۱۷.

تاری، غفار؛ فقهی فرهنگ، ناصر؛ تقی‌زاده، هوشنگ و بافنده زنده، علیرضا. (۱۳۹۴). طراحی یک مدل رشد سازمانی در صنعت قطعه‌سازی خودرو با استفاده از رویکرد پویایی سیستم. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، ۷(۱۳)، ۱۳-۳۸.

تقی‌زاده، هوشنگ. (۱۳۹۷). شناسایی و بررسی موانع ایجاد ارزش در صنعت قطعه‌سازی خودرو با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری. *مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*، ۱۲(۴۶)، ۲۱۱-۲۳۱.

تقی‌زاده، هوشنگ؛ حیدرزاده، ناهیده و هنرمند عظیمی، مرتضی. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل موثر بر همکاری استراتژیک زنجیره تامین در صنعت قطعه‌سازی تبریز، آینده پژوهی مدیریت، ۳۱(۳)، ۱۲۲، ۲۷-۱۳.

رحمان سرشت، حسین؛ حساس یگانه، یحیی؛ فلاح شمس، میرفیض و ایراندوست، منصور. (۱۳۹۲). راهبردهای احیا و عملکرد تجاری در شرایط رکود اقتصادی. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۴(۱۵)، ۳۵-۱۵.

رزاکی هریس، محمد علی؛ جوانمرد، حبیب اله و نوری، ایرج. (۱۴۰۲). ارائه الگوی زنجیره تأمین مالی در صنعت مونتاژ با رویکرد کیفی تحلیل مضمون (مطالعه موردی: صنعت لوازم خانگی). *فصلنامه مدیریت راهبردی در سیستم‌های صنعتی (مدیریت صنعتی سابق)*، ۶۴(۱۸)، ۴۸-۶۵. رضائی بنفشه، رحیم؛ کسائی، مسعود و موتمنی، علیرضا. (۱۴۰۱). طراحی مدلی به منظور شناسایی عوامل اثرگذار و میزان تأثیر آنها در احیای صنایع غذایی کوچک و متوسط راکد شده و نیمه فعال. *مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*، ۱۶(۲ (۶۱ پیاپی))، ۵۱-۷۳.

رضوی، سید مصطفی؛ کریمی، بهروز و رفیعی راد، داوود. (۱۳۹۶). مطالعه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های تأمین قطعه‌سازی خودرو. *مدیریت صنعتی*، ۹(۳)، ۴۳۵-۴۵۴.

ضیائی حاجی‌پیرلو، مصطفی؛ تقی‌زاده، هوشنگ؛ هنرمند عظیمی، مرتضی. (۱۴۰۰). طراحی مدل ارزیابی ساختار بالادستی زنجیره‌های تأمین در صنعت خودروسازی با رویکرد تطبیقی خوشه‌بندی طیفی. *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۹(۶۱)، ۱۴۷-۱۸۰.

الفت، لعیا؛ قاضی نوری، سیدسروش و قاسمی، مهدی (۱۳۹۸). ارتباط تصمیمات استراتژیک تولید با اولویت‌های رقابتی و تاثیر آن بر عملکرد شرکت‌ها در صنعت قطعه‌سازی خودرو در ایران. مدیریت تولید و عملیات، ۱۰(۲) (پیاپی ۱۹)، ۱۷-۳۵.

کمالی سیدبیگللو، میرتوحید و تقی‌زاده، رحیم. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی مطالعه موردی: بنگاه‌های مستقر در نواحی و شهرک‌های صنعتی شهرستان ارومیه. مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۱)، ۳۱۸-۲۹۱.

مدنی‌زاده، علی؛ کریمی‌راد، علی و محمودزاده، امینه. (۱۳۹۷) شواهدی از نحوه اثرگذاری رکود بر بنگاه‌های صنعتی ایران فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۳(۳)، ۵۷-۲۳.

موتمنی، علیرضا؛ رحیمی، اکبر و رضائی بنفشه، رحیم. (۱۴۰۲). ارائه مدل ساختاری تفسیری برهم‌کنش راهبردهای احیای شرکت‌های تولیدی کوچک و متوسط رو به افول و ورشکسته (مورد مطالعه: صنایع غذایی استان اردبیل). چشم‌انداز مدیریت صنعتی، (پیش‌انتشار)، ۱-۳۷.

Bugeja, M., Shan, Y. and Zu, Y.(2023). The disciplinary role of unsuccessful takeovers and changes in corporate governance. *Accounting & Finance*, n/a(n/a). doi:<https://doi.org/10.1111/acfi.13170>

Castelló-Sirvent, F. and Roger-Monzó, V.(2022). Research agenda on turnaround strategies beyond systemic disruptions. *Journal of Organizational Change Management*, ahead-of-print(ahead-of-print). doi:10.1108/JOCM-05-2022-0160

Conde, J., Munoz-Arcentales, A., Romero, M., Rojo, J., Salvachúa, J., Huecas, G. and Alonso, Á.(2022). Applying digital twins for the management of information in turnaround event operations in commercial airports. *Advanced Engineering Informatics*, 54, 101723. doi:<https://doi.org/10.1016/j.aei.2022.101723>

Kekana, M. K., Pretorius, M. and De Abreu, N. V. A.(2024). Enhancing creditor decision-making in South African business rescue proceedings: a comprehensive analysis of information requirements in business rescue plans. *International Journal of Law and Management*, 66(5), 555-577.

Marodin, G. A., Frank, A. G., Tortorella, G. L. and Fetterman, D. C.(2019). Lean production and operational performance in the Brazilian automotive supply chain. *Total Quality Management & Business Excellence*, 30(3-4), 370-385.

Miglani, S., Ahmed, K. and Henry, D.(2020). Corporate governance and turnaround: Evidence from Australia. *Australian Journal of Management*, 45(4), 549-578.

Okello, A. S.(2017). Relationship Between Turnaround Strategies and Performance of Small and Medium Enterprises in Kenya Antony Sije. COHRED, JKUAT, Retrieved from <http://hdl.handle.net/123456789/3292>.

Rico, M., Pandit, N. R. and Puig, F.(2021). SME insolvency, bankruptcy, and survival: an examination of retrenchment strategies. *Small Business Economics*, 57(1), 111-126. doi:10.1007/s11187-019-00293-z

- Rosslyn-Smith, W. J. and Pretorius, M.(2022). Establishing turnaround potential before commencement of formal turnaround proceedings. *Southern African Journal of Entrepreneurship and Small Business Management*, 14, 1-10. Retrieved from http://www.scielo.org.za/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S2071-31852022000100013&nrm=iso
- Sarvankar, S. G. and Yewale, S. N.(2019). Additive manufacturing in automobile industry. *Int. J. Res. Aeronaut. Mech. Eng*, 7(4), 1-10.
- Scherrer, P. S.(2003). Management turnarounds: Diagnosing business ailments. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 3(4), 52-62.
- Soori, M., Arezoo, B. and Dastres, R.(2023). Digital twin for smart manufacturing, A review. *Sustainable Manufacturing and Service Economics*, 2, 100017. doi:<https://doi.org/10.1016/j.smse.2023.100017>
- Wyk, I. v.(2023). Strategic decision-making in small and medium enterprises in South Africa. *The Southern African Journal of Entrepreneurship and Small Business Management*, 15(1), 684. doi:[doi:10.4102/sajesbm.v15i1.684](https://doi.org/10.4102/sajesbm.v15i1.684).